

## صفات و ویژگیهای مشاور در اسلام

نویسندگان: حسین حقانی زنجانی

منبع: ماهنامه مکتب اسلام ۱۳۷۶ شماره ۳

ارزش و اهمیت والای اصل مشورت و مشاوره از دیدگاه اسلام، اهمیت ویژگیهای شورای مشاوره و مشاورین را در اسلام آشکار می‌سازد، مشاور در حقیقت رکن اصلی نیل به حقائق و واقعیات و جلوگیری از خطا و اشتباه و تثبیت محور حرکت انسانها به سوی نیازمندی‌های فردی و اجتماعی و معنوی به شمار می‌رود.

حال باید دید مشاور در اسلام چه کسی باید باشد؟ و چه صفات و ویژگیهایی را باید داشته باشد؟

مشاور از دیدگاه اسلام هر انسان عاقل و بصیر و آگاهی است که دیدگاه اسلامی داشته، با تقوا و خیراندیش بوده، دارای کمالات نفسانی و خالی از فساد اخلاق و میرا از انحرافات فکری و عقلی و عملی باشد پس مشاوره در اسلام دارای حدود و مقرراتی بوده، مبتنی بر اصول و معیارهایی می‌باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«المشورة لا تكون الا بحدودها فمن عرفها بحدودها والا كانت مضرتها على المستشير اكثر من منفعتها.»

مشورت باید با حدود و مقررات و به شرایط خاص خودش انجام پذیرد و کسی که این حدود را بشناسد مشورت او منتهی به خیر می‌شود و کسی که حدود و شرایط مشورت مفید را نداند، زیان آن بر مشورت کننده بیشتر از منفعت آن می‌باشد. (۱)

مطابق این کبرای کلی مشاور متصف به یک سلسله از صفات بوده و یک سلسله از صفات را نیز باید نداشته باشد. صفاتی که مشاور از دیدگاه اسلام باید آن‌ها را داشته باشد به قرار زیر است:

۱- مشاور باید عاقل و صاحب رای و نظر باشد زیرا طبیعی است انسانی که اطلاعات لازم و خبرگی کافی در مورد مشورت نداشته باشد، مشورت با او نه تنها مفید نیست، بلکه ممکن است راهنمایی‌های ناشیانه او باعث انحراف بوده، زیان و ضرر به دنبال خود داشته باشد.

امام باقر علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله نقل می‌کند که از او از معنای حزم و احتیاط سؤال کردند در پاسخ آن فرمود: «مشورة ذو الرأی و اتباعهم» یعنی: حزم و احتیاط در امور همان مشاوره با انسان‌های عاقل صاحب رای و نظر می‌باشد. (۲)

این نوع از مشورت دارای منافع کثیر و حداقل موجب پشیمانی و ندامت مشورت کننده نمی‌شود.

ابی جارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: در کتاب تورات چهار جمله وارد شده است از جمله آنها این است: «من لا یستشیر یندم» (۳) کسی که با صاحب فکر و نظر در امور خود مشورت نکند، پشیمان و نادم می‌گردد. و همواره در مخاطرات و گرفتاریها واقع می‌شود.

و در روایت دیگری چنین نقل شده است: «خاطر بنفسه من استغنی برایه». (۴) کسی که بدون مشورت به رای خود عمل کند و خود را بی‌نیاز از مشورت با صاحب نظران بداند، در انجام امور خود را به مخاطره انداخته است.

و در روایات و احادیث وارده از ائمه‌علیهم‌السلام انسان عاقل به عنوان «قرین مرشد» تعبیر آورده شده است چنانکه مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«... من لم یکن له قرین مرشد متمکن عدوه من عقبه». کسی که برای او دوست نزدیک ارشاد کننده افکار او نداشته باشد چه بسا دشمن او از پشت‌سر او قدرت حمله بر او را داشته باشد.

طبعاً «قرین مرشد» انسان عاقل دارای ورع و تقوا می‌باشد زیرا راهنمای باطنی ارشاد کننده به نام عقل را همراه خود دارد و این راهنما او را به خیر امر می‌کند و او را از بدیها و زشتیها باز می‌دارد.

سلیمان بن خالد می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«استشر العاقل من الرجال الورع فانه لا یامر الا بالخیر و ایاک و الخلاف فان مخالفة الورع العاقل مفسدة فی الدین والدنیا». (۵)

با مردان عاقل و با تقوا مشورت کن زیرا او جز به خیر دستور نمی‌دهد و مواظبت داشته باشد و از مخالفت با رای مشاور عاقل و با تقوی بپرهیز زیرا این کار باعث فساد در دین و دنیای انسان می‌گردد.

بدیهی است مشاور عاقل و باتقوا در مقام مشورت در موارد لازم و مقتضی، مشورت کننده را پند و اندرز می‌دهد و او را از انجام زشتیها و فسادها باز می‌دارد و او را به انجام نیکی‌ها و خوبیها راهنمایی می‌کند یعنی مشاور عاقل و باتقوا ناصح خوبی بوده و همین امر باعث رشد فکر مشورت کننده و باعث توفیق بیشتر او می‌گردد.

منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام و او نیز از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند:

«مشاورة العاقل الناصح رشد و یمن و توفیق من الله فاذا اشار علیک الناصح العاقل و ایاک و الخلاف فان فی ذلک العطب». (۶)

مشاوره با انسان‌های عاقل نصیحت کننده (ناصرح) حداقل سه فایده مهم دارد:

الف - باعث رشد فکر مشورت کننده می‌باشد.

ب - باعث برکت در انجام کار می‌باشد.

ج - سبب پیدایش توفیقات الهی می‌باشد.

پس هنگامی که ناصح عاقل برای انجام کاری تو را دعوت کرد، حتماً از انجام آن کار مخالفت ننما زیرا مخالفت موجب سختی و رنج و مشقت مشورت کننده می‌شود.

و در برخی از روایات وارد است که عمل به دستور شخص عاقل ناصح دارای دین و تقوا باعث این می‌شود که خداوند کار او را به خیر می‌انجامد و او را از خذلان و خواری نجات می‌دهد، بلکه مقام و منزلت او را نزد خدا بالا می‌برد. (۷)

در غرر و درر آمدی از علی‌علیه السلام نقل شده است: «خیر ما مشاورت ذو النهی والعلم واولو التجارب الحزم»: بهترین مورد مشورت، مشورت با صاحبان عقل و علم و تجربه و دارای حزم و احتیاط می‌باشد. (۸)

شیخ طوسی در امالی خود از ابوهریره از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل می‌کند: «استشردوا العاقل ولا تعصبوه فتندبوا»: با انسان‌های عاقل در امور خود مشورت کنید و بدین‌طریق رشد کار خود را طلب کنید و بعد از مشورت با نتیجه این مشورت مخالفت ننمائید و گرنه پشیمان و نادم می‌شوید. (۹)

حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که مشورت مفید و جامع، مشورت با کسانی است که چهار صفت را داشته باشند از جمله این صفات: «فاولها ان یكون الذی تشاوره عاقلا» یعنی اولین شرط لازم در مشاور این است که عاقل باشد.

جالب این است که امام معصوم به دنبال بیان اولین صفت لازم در مشاور، علت آن را این‌گونه بیان می‌کند: «فانه اذا كان عاقلا انتفعت بمشورته» هنگامی که مشاوران عاقل باشند، مشورت او مفید و ثمربخش واقع می‌شود.

#### ۲- مشاور دارای خشیت و خوف الهی باشد

دومین ویژگی شخص مشاور و شورای مشاوره این است که خوف الهی و خشیت پروردگار در دل و جان آنان جای داده شده باشد زیرا قطعاً چنین کسانی قابل اعتماد و اطمینان هستند، اینان هستند که فکر خیانت به برادر دینی خود را در دل هرگز جای نمی‌دهند و در نتیجه مشورت با آنان اطمینان‌بخش بوده، برای مشورت کننده امنیت‌خاطر قابل اعتماد ایجاد می‌کند.

امام صادق علیه السلام ضمن بیاناتی به معاویه بن وهب چنین فرمود:

...«استشر فی امورک الذین یخشون ربهم»: (۱۰) با انسان‌های دارای خوف و خشیت الهی مشورت کن. اینها انسان‌های امین بوده فکر خیانت و افشاء سر برادر مؤمن را نزد دیگری در دل خود هرگز جای نمی‌دهند.

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «شاور فی حدیثک الذین تخافون الله»: (۱۱) در امور خود با مشاورین دارای خوف الهی مشورت کن.

و همین حالت‌خوف و خشیت الهی معیار امین بودن انسان‌های مشاور محسوب می‌شود چنانکه در ضمن همان روایت بالا از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «الامین الذی یخشی الله». (۱۲)

۳- مشاور باید انسان حر و انسان‌های آزادمنش بوده، تحت تاثیر برخی از عوامل ضعیف کننده و مضر قرار نگیرد.

چنانکه حلبی از امام صادق علیه السلام دومین شرط لازم در شخص مشاور را چنین بیان می‌کند: «والتائیه ان یکون حرا متدینا» شرط دوم لازم در مشاور این است که او آزادنش بوده متدین باشد و سر و راز اینکه مشاور باید چنین صفت و ویژگی را داشته باشد این است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اذا کان حرا متدینا اجهد نفسه فی النصیحة لک» (۱۳): هنگامی که مشاور انسان آزادنش بوده متدین باشد، تمام هم و سعی خویش را در بهتر انجام دادن نصیحت و مشورت خویش به کار می‌برد. (۱۴)

۴- مشاور باید انسان درستکار و صدیق بوده، اصول برادری را کاملا بداند و آن را در مقام عمل مراعات نماید.

حلبی از امام صادق علیه السلام درباره این ویژگی چنین نقل می‌کند: «والتائیه ان یکن صدیقا مواخیا»: سومین شرط لازم در مشاور این است که انسان باصفا بوده، واقعا صدیق مشورت کننده باشد و اصول برادری را درباره او مراعات نماید.

۵- اثر این صفت لازم بالا در مشاور این است که سر و راز مشورت کننده را کاملا حفظ کند تا منافع او در مقابل دشمنانش به خطر نیفتد.

چنانکه امام صادق علیه السلام چنین فرمود: «اذا کان صدیقا مواخیا کتم سرک اذا اطلعت علی سرک فان عمله به کعلمک به تمت المشورة و کملت النصیحة»: هنگامی که مشاور انسان صدیق بوده، اصول برادری را با مشورت کننده مراعات نماید طبعاً سر و راز مشورت کننده را هنگام اطلاع از آن مخفی نگاه می‌دارد و نزد دیگری آن را فاش و آشکار نمی‌سازد زیرا علم مشاور به راز مشورت کننده مثل علم خود مشورت کننده پس از خویش می‌باشد (یعنی مشاور با احراز مقام مشورت به منزله خود مشورت کننده امین بوده، راز او را نزد دیگری آشکار نمی‌سازد).

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری همان صفات و ویژگیهای لازم در مشاور را به عبارت دیگری بیان فرمود و نکته دیگری نیز ضمن آن بیان می‌فرماید و آن روایت چنین است:

«شاور فی امورک مما یقتضی الذین فیه خمس خصال: عقل و علم و تجربه و نصح و تقوی فان لم تجد فاستعمل الخمسة و اعظم و توکل فان ذلك یؤدیک الی الصواب».

در امور خود در مواردی که دین و مذهب آن را اقتضا می‌کند، مشورت کن با کسانی که دارای پنج صفت هستند: دارای عقل و علم و تجربه و تقوی بوده، ناصح می‌باشند و اگر چنین افراد دارای این ویژگیها را نیافتی سعی کن در پیدا کردن آنها و این عمل سعی را بزرگ بشمار و بعد از سعی و مشورت توکل بر خدا بکن که قطعاً توکل تو به خدا منتهی به عمل نیک و شایسته می‌گردد. (۱۵)

تذکر این نکته در اینجا لازم است که لزوم مشورت با مشاورین عاقل و عالم و با تجربه و با تقوی منحصر به امور مربوط به دین نیست، بلکه حکم لزوم مشورت، در امور مربوط به دنیا نیز جریان دارد چنانکه مرحوم نوری در مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۵ از مصباح الشریعة روایتی از امام صادق علیه السلام نظیر روایت بالا را نقل می‌کند و در ذیل آن از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌نماید: «... وما کان من امور الدنیا الی هی غیر عایده الی الدین فامضیها و لاتتفکر فیها» یعنی در امور مربوط به دنیا

نیز مشورت با مشاورین عاقل و عالم و متقی و باتجربه لازم است و این ویژگیها را در مقام مشاوره مراعات کن.

جالب این است که امام معصوم علیه السلام علت این حکم را اینگونه بیان می‌کند: «فانک اذا فعلت ذلک اصبت بركة العیش و حلاوة الطاعة و فی المشاورة اکتساب العلم والعاقل من یتستفید منها علما جدیدا»: هنگامی که تو با مشاورین عاقل و عالم و باتقوی در امور مربوط به دنیا مشورت کردی قطعا به برکات زندگی و شیرینی اطاعت الهی پی می‌بری و در مشورت با چنین کسانی علم جدید برای شما حاصل می‌شود و از علم مشاور عاقل عالم استفاده می‌بری.

و مثل مشورت با انسانهای عاقل و عالم مثل تفکر در علم خلقت و آفرینش آسمانها و زمین است و انسان هر اندازه در عجائب و ظرائف آفرینش آنها تلاش کند، در دریای نور معرفت الهی غرق می‌شود و یقین و اعتقاد او نیز زیادتر می‌شود.

آری تنها شرط مشورت با چنین افرادی این است که تو عقل و علم و کمال و تقوای مشاور را برای انجام مشورت با او مناسب بدانی و آن را مورد تایید قرار دهی و در غیر این صورت مشورت با او فایده و سودی برای مشورت کننده دربر ندارد. گرچه مشاور به عقل و ورع میان مردم شهرت داشته باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لا تتشاور من لا یصدقہ عقلک و ان کان مشهورا بالعقل و الورع و اذا شاورت من یصدقہ قلبک فلا تخالفه فیما یشیر به علیک». (۱۶)

با کسانی که تو عقل و علم او را برای مشورت با او مناسب نمی‌دانی مشورت مکن گرچه آن فرد به عقل و ورع مشهور باشد زیرا هنگامی که تو با کسانی که آنان را برای مشورت صالح می‌دانی بعد از مشورت، با او مخالفت نمی‌کنی و مورد مشورت را عمل می‌نمائی (و این ویژگی در مورد کسانی که معتقد به صلاحیت علمی و عقلی برای مشورت نمی‌دانی وجود ندارد و چه بسا با آنها به مخالفت بر می‌خیزی).

پی‌نوشتها:

(۱) وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۷.

(۲) وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۷.

(۳) وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۷.

(۴) وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۷.

(۵) وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۷.

(۶) وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۷.

(۷) وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۷.

- ٨) مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٦٥.
- ٩) مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٦٥.
- ١٠) وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٢٠٨: .
- ١١) وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٢٠٨: .
- ١٢) وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٢٠٨.
- ١٣) وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٢٠٧.
- ١٤) مدرک قبل.
- ١٥) اثني عشرية، ص ٢١٠.
- ١٦) مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٦٥.